

نقش آموزشی کتابخانه‌ها در سده‌های نخست ایران اسلامی

عبداله صفرزائی^۱

چکیده

در سده‌های نخست اسلامی در ایران، ساختار نظام آموزشی متحول شد و مراکز و مؤسسات آموزشی متعددی تأسیس گردید. یکی از نهادهای علمی و آموزشی این دوره در ایران، کتابخانه‌ها بودند. کتابخانه‌های قرون اولیه اسلامی، خدمات چشمگیری در جهت پیشرفت علوم و فنون ارائه می‌دادند. با توجه به پیشرفت علوم و متحول شدن ساختار نظام آموزشی سده‌های نخست اسلامی در ایران، این سؤال مطرح است که نقش آموزشی کتابخانه‌ها چگونه بود؟ و چه تأثیری در پیشرفت و رونق علوم داشتند؟

تاکنون پژوهش‌های قابل توجهی درباره کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران انجام گرفته است؛ اما به نقش و کارکرد آموزشی کتابخانه‌های این دوره نپرداخته‌اند. از این رو، نوشتار حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر داده‌های تاریخی، به واکاوی نقش آموزشی کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد کتابخانه‌ها علاوه بر نقش آموزشی مستقیم، به عنوان نهادی که دسترسی به منابع و دانش‌آموزی را آسان می‌کردند، شرایط آموزشی بهتری را فراهم کرده، نقش مؤثری در رشد و رونق یافتن علوم و فنون آن زمان داشتند.

واژگان کلیدی

کتابخانه، آموزش، سده‌های نخست، ایران اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه ولایت - ایرانشهر: a.safarzaie@velayat.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲ پذیرش: ۹۷/۳/۵

مقدمه

با ورود اسلام به ایران و پیدایی فرهنگ و تمدن اسلامی، پیشرفت‌های عمده‌ای در زمینه رشد و رونق انواع دانش‌ها، علوم و فنون در ایران پدید آمد. پیشرفت‌های علمی سده‌های نخست اسلامی در ایران، به گونه‌ای بود که بسیاری از دانشمندان ایرانی در این دوره، شهرت و آوازه جهانی یافتند و آثار و خدمات علمی آنان، در تاریخ علم و دانش ماندگار شد. توجه به علوم، دانش‌ها و برنامه‌ریزی برای رشد و اعتلای آن در این دوره از تاریخ ایران، به پیدایش نهادها، مراکز و مؤسسات متعدد علمی، آموزشی و پژوهشی منجر گردید. یکی از چنین مراکز و نهادهایی که در سده‌های نخست اسلامی در ایران پدید آمد، کتابخانه‌ها بودند. کتابخانه‌های این دوره، علاوه بر گستردگی و تعدد قابل توجه، شرایط و امکاناتی داشتند که از عوامل عمده پیشرفت‌های علمی این دوره به حساب می‌آیند. سؤالی که در این راستا در ذهن ایجاد می‌شود، این است که نقش و کارکرد آموزشی کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران چگونه بود؟ و چه تأثیری در پیشرفت علوم و دانش‌های آن زمان داشت؟

در مورد کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، پژوهش‌های بسیاری تا به حال انجام شده است؛ اما به نقش و کارکرد آموزشی کتابخانه‌ها پرداخته نشده است. نخستین تحقیقات منسجمی که در مورد کتابخانه‌های تاریخی ایران در سده‌های نخست اسلامی انجام گرفت، پژوهش‌های رکن‌الدین همایون فرخ بود که در دههٔ چهل شمسی چندین اثر در این ارتباط انتشار داد. وی در آثار خود به معرفی کتابخانه‌ها در طول تاریخ ایران پرداخته است؛ ولی نقش و کارکردهای متعدد آنها را به طور اختصاصی مورد بررسی قرار نداده است.

مهم‌ترین پژوهش دیگری که درباره کتابخانه‌های تاریخی ایران صورت گرفته، مجموعهٔ مقالات کنگره کتاب و کتابخانه در شهریور ۱۳۷۴ است که توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است. مرعشی نجفی نیز در اثری با عنوان *جهان کتابخانه‌ها*، ۳۰ مقاله برتر راجع به کتاب و کتابخانه را گردآوری کرده است. در مجموعه این آثار، تمرکز عمده بر معرفی کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران بوده و کارکرد و نقش آنها در توسعه و تحولات علوم در این دوره کمتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از این رو، در نوشتار حاضر ضمن معرفی کتابخانه‌های عمده این عصر، بیشتر بر روی کارکردهای آموزشی و نقش این کارکردها در پیشرفت‌های علمی سده‌های نخست اسلامی در ایران تمرکز شده است. برای انجام این پژوهش، ابتدا زمینه‌های شکل‌گیری کتابخانه‌ها و همچنین کتابخانه‌های

معروف چهار سده نخست اسلامی در ایران، به‌اختصار معرفی شده و سپس، کارکردهای آموزشی آنها مشخص شده و با بررسی این کارکردها، نقش کتابخانه‌ها در پیشرفت‌های علمی آن دوره تبیین شده است. با بررسی چنین مباحثی، مشخص شد که علاوه بر خدمات چشمگیر علمی و پژوهشی کتابخانه‌ها، در این نهادها از طرفی مستقیماً امر تدریس و آموزش جریان داشت و از طرفی دیگر، به طور غیرمستقیم در امر آموزش و یادگیری ایفای نقش می‌کردند.

در این نوشتار، منظور از کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، کتابخانه‌هایی هستند که تا ابتدای قرن پنجم هجری تأسیس شده و از لحاظ جغرافیایی نیز در مرزهای ایران قرار داشته‌اند. البته کتابخانه‌های عراق نیز تا حدودی مشمول بررسی هستند؛ زیرا بسیاری از کتابخانه‌های عراق در این دوره، علاوه بر اینکه توسط شخصیت‌های ایرانی تأسیس شده‌اند، از نظر تمرکز در مقر خلافت اسلامی، الگوی سایر کتابخانه‌های موجود در شهرهای ایران، از جمله: رامهرمز، شیراز، اصفهان، ری، نیشابور، مرو و بخارا قرار گرفته‌اند.

زمینه‌های شکل‌گیری و رونق کتابخانه‌ها

در تاریخ ایران بعد از اسلام، زمینه‌ها، بسترها و عوامل متعددی در شکل‌گیری کتابخانه‌ها از حدود سده سوم هجری و رشد و توسعه آنها از قرن چهارم به بعد ایفای نقش نمود. یکی از عواملی که زمینه را برای تأسیس کتابخانه‌های این دوره از تاریخ ایران فراهم آورد، پیشینه علمی ایرانیان از دوره ساسانی بود. در دوره ساسانیان به دانش، آموزش، کتاب و کتابخانه توجه ویژه‌ای شده بود. گزارش‌های متعددی حاکی از تلاش‌های شاهان ساسانی برای گردآوری کتاب‌ها و شکل‌گیری کتابخانه‌هاست. به روایت ابن‌ندیم، اردشیر اول (۲۴۰-۲۲۶م) پس از آرام ساختن اوضاع، مردمانی را به هند و چین و روم فرستاد تا از تمام کتاب‌هایی که پس از حمله اسکندر به ایران پراکنده شده بودند، نسخه‌برداری کرده، آنها را جمع‌آوری کنند (ابن‌ندیم، ۱۳۴۳: ۴۳۷). پسرش شاپور (۲۷۰-۲۴۰م) نیز روش پدر را دنبال کرد و دستور داد کتب مذکور را به پهلوی ترجمه و در جندی‌شاپور نگهداری نمایند. (صدیق، ۱۳۵۴: ۸۱) خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱م) با توجه به علاقه‌ای که به علم و دانش داشت، به حدی کتابخانه جندی‌شاپور را توسعه داد که این کتابخانه با هزاران کتاب به چندین زبان، توجه بسیاری از دانش‌پژوهان آن زمان را به خود جلب نمود. (حکمت، ۱۳۵۰: ۳۸۶)

گزارش‌های متعددی از سده‌های نخست هجری در دست است که از کتابخانه‌های باقیمانده

از دوره ساسانی در شهرهای ایران حکایت دارد. به روایت ابن طیفور، عتایی شاعر معروف دوره عباسی (متوفای ۲۰۸ ق) برای نقل گرفتن کتب عجم از خزانه کتب مرو و نیشابور که به گمان او از دوره یزدگرد تا زمان وی باقی مانده بود، سه بار به آن بلاد سفر کرده است. (ابن طیفور، ۱۹۴۹: ۸۷) چندین روایت از ابن ندیم و روایتی از حمزه اصفهانی باقی مانده که به کشف کتابخانه‌هایی از دوره ساسانیان در مخروبه‌های بناهای اصفهان در سده سوم و چهارم هجری اشاره دارند. (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۴۳۸ - ۴۴۰؛ اصفهانی، بی‌تا: ۱۸۲ - ۱۸۴) علاوه بر این، آمار بسیار بالای مترجمان ایرانی در نهضت ترجمه از دوران منصور (۱۵۸-۱۳۶ ق) تا مأمون (۲۱۸-۱۹۸ ق) عباسی، نشانگر آن است که ایرانیان از پیشینه بسیار خوبی در ارتباط با کتاب و کتابخانه برخوردار بودند.

عامل دیگری که زمینه‌های شکل‌گیری و رشد کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی را در ایران فراهم آورد، ظرفیت‌ها و توصیه‌های دین اسلام بود. توجه دین اسلام به موضوع نویسندگی و کتابت به حدی است که معجزه این دین، کتاب (قرآن) معرفی شده است. قرآن نیز نخستین وحی آسمانی خودش را با امر به خواندن آغاز کرده که حکایت از فصل نوینی از گرایش فرهنگ شفاهی به فرهنگ نوشتاری است. در قرآن بیش از ۷۵۰ آیه به علم، عالم، معرفت و کسب کمالات اشاره دارد. (انصاری قمی، ۱۳۷۴: ۳۸۶) پیامبر اسلام (ص) نیز در گفتار و کردار خود، به مسئله خواندن و نوشتن تأکید فراوانی داشتند؛ به عنوان مثال، در غزوه بدر، یکی از شروط آزادسازی هریک از اسرای مشرکان مکه این بود که به ده نفر از مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزد. (ابن حنبل، ۱۹۶۵: ۲۴۷/۱) در چنین شرایطی، مسلمانان از همان ابتدا نخست به کتابت قرآن، اندکی بعد به کتابت حدیث و سپس، کتابت تاریخ و دیگر علوم و دانش‌ها پرداختند. این کتابت‌ها، به افزایش تعداد کتب منجر شد و زمینه را برای تشکیل کتابخانه‌ها فراهم آورد.

از عوامل دیگر که شرایط را برای رشد و رونق علوم و به دنبال آن، ایجاد کتابخانه‌ها فراهم آورد، گستردگی سرزمین‌های اسلامی و وحدت سیاسی آن سرزمین‌ها بود. در ابتدای خلافت عباسی، وسعت ممالک اسلامی از چاچ در مرز چین تا مراکش امتداد داشت. در چنین شرایطی، هریک از ملل مختلف ممالک اسلامی از توانمندی‌های علمی، مهارت‌ها و ابزارهایشان برای کتابت و تهیه کتاب و کتابخانه استفاده می‌کردند. پس از آنکه اهالی سمرقند شیوه ساخت و استفاده از کاغذ را از چینی‌ها فراگرفتند، بلافاصله استفاده از این ابزار برای کتابت در بغداد و دیگر ممالک نیز رواج یافت. (دال، ۱۳۷۲: ۸۰) در کنار وحدت سیاسی جهان اسلام، توجه خلفا، امرا، وزرا و دانشمندان نیز به تأسیس، تقویت و ماندگاری کتابخانه‌ها منجر شد. از آنجا که هزینه‌های

مالی تأسیس و ماندگاری کتابخانه‌ها با استفاده از امکانات آن روزگار بسیار گزاف بود، توجه این گونه شخصیت‌ها به کتاب و کتابخانه، از اهمیت والایی برخوردار بود.

یکی دیگر از عواملی که موجب تهیه راحت‌تر کتاب و تقویت و گسترش کتابخانه‌ها گردید، اختراع کاغذ بود. مشهور است کاغذ در چین اختراع شد و از طریق سمرقند به جهان اسلام راه یافت. نخستین کارخانه کاغذسازی در بغداد به روزگار هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰ق) و در زمان وزارت جعفر بن یحیی برمکی تأسیس شد. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۵۶: ۵۴؛ ضمیری، ۱۳۷۵: ۸۶) استفاده از کاغذ علاوه بر ارزان بودن، این مزیت را داشت که مطالب روی آن، همانند پوست به راحتی قابل پاک شدن نبود و در صورت پاک کردن، کاغذ صدمه می‌دید. (قلقشندی، ۱۳۲۲: ۴۷۵/۲) از این رو، در عصر هارون الرشید در اسناد و مکاتبات دولتی، کاغذ جایگزین پوست شد.

(Inayatullah, 1938: 158) تولید و استفاده از کاغذ به حدی در جهان اسلام رواج یافت که در ابتدای قرن سوم، در بازاری در بغداد حدود صد دکان کاغذفروشی و صحافی بود و کتاب‌نویس‌ها آنجا اقامت داشتند. (یعقوبی، ۱۹۱۸: ۱۳) گروه وراق که پس از ساخت و رواج کاغذ به وجود آمده بود، خدمات بزرگی به کتاب‌نویسی، کتاب‌فروشی و ایجاد کتابخانه‌ها انجام دادند.

عامل دیگری که به تأسیس و تقویت کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران کمک کرد، سنت وقف بود. وقف به چندین روش به تقویت کتابخانه‌ها منجر شد؛ روش اول اینکه بسیاری از نویسندگان کتاب‌های تألیف شده خودشان را وقف کتابخانه‌ها می‌کردند؛ به عنوان مثال، پزشکی به نام جبرائیل بن عبدالله بن بختیشوع (متوفای ۳۹۶ق)، رساله خود موسوم به *الکناش* را به کتابخانه شاپور بن اردشیر اهدا کرد. (العش، ۱۳۷۲: ۱۲۵) همچنین، بعضی افراد، کتابخانه شخصی‌شان را وقف کتابخانه‌های بزرگ‌تر می‌نمودند. در این صورت، غالب دانشمندان به منظور اطمینان بر حفظ کتب و استفاده بیشتر، کتابخانه خود را وقف مسجد شهر خویش می‌کردند. (Mackensen, A 1935: 123) دومین روش، این بود که بسیاری از شخصیت‌ها کتابخانه وقفی تأسیس می‌کردند تا مورد استفاده عموم قرار گیرد. به نظر می‌رسد دارالعلم‌ها که از قرن سوم هجری پدید آمدند، نخستین کتابخانه‌هایی بودند که بر اساس اصل وقف به وجود آمدند. (حموی، ۱۳۹۱: ۱/ ۳۵۵) سومین روش، این بود که بسیاری از افراد، بخشی از املاک یا دارایی‌شان از قبیل: خانه، مغازه و یا باغ را وقف کتابخانه‌ها می‌کردند تا درآمدشان صرف نگهداری، مراقبت و تعمیر کتاب‌ها، حقوق کارکنان و امثال آن شود و خدمات کتابخانه، ماندگاری بیشتری داشته باشد. به روایت ابن کثیر، پس از آنکه شاپور بن اردشیر کتابخانه وقفی در بغداد

تأسیس کرد، محصولاتی زراعی نیز وقف آن نمود. (ابن کثیر، ۱۹۷۷: ۱۹/۱۲)

معرفی اجمالی کتابخانه‌ها

در این بخش، کتابخانه‌های مشهور سده‌های نخست هجری در ایران که خدمات آنان تا حدودی همگانی و فراگیر بوده، به اختصار معرفی شده‌اند. در این معرفی، ابتدا کتابخانه‌های حکومتی و دربار، سپس، کتابخانه‌های وزراء، امرا و دانشمندان و بعد از آن، کتابخانه‌های مساجد و مدارس به اجمال معرفی شده است. به کتابخانه‌های بیمارستان‌ها، اماکن متبرکه، خانقاه‌ها و رباط‌ها به دلیل گستردگی بحث و همچنین، به جهت اینکه بیشتر، از قرن چهارم هجری به بعد رونق یافتند، اشاره‌ای نشده است.

با شکل‌گیری حکومت طاهریان در خراسان به عنوان اولین حکومت ایرانی تقریباً مستقل، امیران طاهری اقدام به تأسیس کتابخانه نمودند. هنگامی که عبدالله بن طاهر (۲۳۰-۲۱۵ق) از بغداد به نیشابور رفت، تعداد بسیاری از علمای بغداد را با خود به نیشابور بُرد و احتمالاً به تقلید از مأمون، کتابخانه بزرگی با عنوان «خزانة الطاهرية» در نیشابور تأسیس کرد. (یادگاری، ۱۳۸۸: ۲۶۱) از جمله کتاب‌های نادری که در این کتابخانه گردآوری شده بود، کتاب /عین خلیل بن احمد فراهیدی بود که به روایت ابن ندیم یک نسخه از آن وجود داشت و آن یک نسخه، در خزانه طاهریان نیشابور بود. (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۷۵) در شرح حال ابن سینا به کرات از کتابخانه دولتی و درباری سامانیان یاد شده است. ابن سینا پس از معالجه نوح بن منصور سامانی (۳۸۷-۳۶۵ق)، اجازه ورود به این کتابخانه و استفاده از کتب آنجا را به دست آورد. آنچه قابل توجه است، نخست اینکه کتاب‌های آن کتابخانه، به صورت موضوعی طبقه‌بندی شده بود. دوم اینکه مجموعه کتاب‌های آن کتابخانه، در فهرستی تنظیم شده بود. سوم اینکه ابن سینا در فهرست کتاب‌های آن کتابخانه، کتاب‌هایی را مشاهده کرد که تا آن روزگار ندیده بود و بعدها هم ندید. (ابن ابی‌اصیبه، ۱۹۶۵: ۴۳۹) مهم‌ترین کتابخانه دولتی و درباری دوره آل بویه، کتابخانه‌ای بود که توسط عضدالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ق) در شیراز تأسیس شد. گروهی از کارکنان، این کتابخانه را اداره می‌کردند و تالارهای متعددی داشت که در هر تالار، مجموعه کتاب‌ها در قفسه‌هایی بر اساس موضوعاتشان جای داشتند. این کتابخانه، دارای فهرست مجلدات نیز بود. مهم‌تر از همه، مقدسی آورده است: «هیچ کتابی نیست که تاکنون در دانش‌های گوناگون تصنیف شده باشد؛ مگر عضدالدوله نسخه‌اش را بدانجا آورده است.» (مقدسی، ۱۹۸۷: ۳۴۱)

دومین دسته از کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، کتابخانه‌های وزرا، علما و دانشمندان بودند. این کتابخانه‌ها، به حدی مورد استفاده قرار می‌گرفتند که بعضی از آنها حالت وقف عام پیدا کرده بودند و کتابخانه عمومی محسوب می‌شدند. از جمله این کتابخانه‌ها، می‌توان به کتابخانه ابوالفضل بن عمید، وزیر رکن‌الدوله دیلمی در شهر ری اشاره کرد. ابن عمید به حدی شیفته کتاب و کتابخانه بود که در جریان هجوم خراسانی‌ها و غارت اسباب و وسایل خانه‌اش، برای هیچ چیزی به اندازه کتاب‌هایش نگران نبود. (مسکویه، ۲۰۰۰: ۲۳۶/۶-۲۶۲) آمار کتاب‌های کتابخانه ابن عمید بسیار زیاد بود؛ چنان‌که تعداد کتب فلسفی و ادبی وی، بیش از صد بار شتر بود. (Inayatullah, 1938: 164) نمونه دیگر از این گونه کتابخانه‌ها، کتابخانه صاحب‌بن‌عباد در شهر ری بود. صاحب‌نیز وزارت برخی امیران آل‌بویه از جمله مؤیدالدوله و فخرالدوله را بر عهده داشت. کتاب‌های کتابخانه ابن‌عباد، به حدی زیاد بود که در ضمن مسافرت‌هایش کتب ادبی مورد علاقه وی را ۳۰ شتر حمل می‌کردند. (mackensen, B 1935:90) هنگامی که نوح‌بن‌منصور سامانی به او پیشنهاد وزارت داد، وی ضمن عذرخواهی و نپذیرفتن وزارت وی، چنین بهانه آورد که چهار صد شتر فقط برای حمل کتاب‌هایش لازم است. (ثعالبی نیشابوری، ۱۹۵۶: ۱۹۷/۳-۱۹۶)

سومین دسته از کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، کتابخانه‌های مساجد بودند. کتاب‌های کتابخانه‌های مساجد اغلب توسط خلفا، امرا و دانشمندان به صورت هدیه دادن و وقف کردن فراهم می‌شد. (Galli, 2001: 112) از زمانی که وقف کتاب‌ها رواج پیدا کرد، اغلب واقفان کتاب، کتاب‌هایشان را وقف مساجد می‌کردند. (العش، ۱۳۷۲: ۱۵۳) به باور پدرسون، علاوه بر قرآن، تفسیر، حدیث، سیره، فقه و کلام، موضوعاتی از قبیل تاریخ و پزشکی نیز در برخی مساجد تدریس می‌شد. (Pedersen, 1929: 527) از نگاه تیبی‌وی، تدریس موضوعاتی از قبیل: جغرافی، حساب، جبر و هندسه نیز در بعضی از مساجد رایج بود. (Tibawi, 1972: 49) در صورت تدریس چنین موضوعاتی، در کتابخانه‌های این مساجد کتاب‌هایی با این موضوعات نیز نگهداری می‌شد. از جمله کتابخانه‌های مساجد در ایران می‌توان به کتابخانه مسجد جامع اصفهان اشاره کرد. در مورد مسجد جامع اصفهان آمده است که در سال ۳۰۹ هجری در روزگار المقتدر بالله به چهار حد گسترش یافت و هر حد رواقی داشت. برابر یکی از رواق‌ها، کتابخانه و حجره‌ها و مخزن‌های کتب به همت استاد ابوالعباس ضبی (متوفای ۳۹۹ق) احداث شد. در آن کتابخانه، «از کتب معتبره نفیسه و مجلداتی از غرایب حدیث و اسرار تفسیر و

نحو و لغت و اشعار منتخب و سنن انبیا و خلفا و سیر ملوک و علما و از علوم پیشینیان و منطق و ریاضی و طبیعی و الهی گزارده بودند.» (جابری انصاری، ۱۳۶۸: ۱۱۰-۱۱۱)

از دیگر مجموعه کتابخانه‌ها در سده‌های نخست اسلامی در ایران، کتابخانه‌های مدارس هستند. با تأسیس مدارس، کتابخانه‌هایی نیز در آن مدارس به‌وجود آمد که بخشی از تشکیلات و سازمان مدارس محسوب می‌شد. در منابع، از مدارس متعددی در نیشابور یاد شده که دارای کتابخانه نیز بودند. یکی از کتابخانه‌های معروف مدارس در نیشابور، کتابخانه مدرسه صابونیه بود. این کتابخانه، به حدی اهمیت داشت که پس از آنکه به دستور خلف بن احمد صفاری (۳۵۲-۳۹۳ق) به کمک علمای عصر و فضلی دهر و با هزینه‌ای بالغ بر بیست‌هزار دینار تفسیری بر قرآن نوشتند، نسخه این تفسیر را در مدرسه صابونی نیشابور نگهداری می‌کردند. (عتبی، ۱۳۸۲: ۲۱۴)

از معروف‌ترین مدارس دیگر که دارای کتابخانه بود، مدرسه ابن‌حیان بستی (م ۳۵۴) در شهر بست بود. وی خانه‌ای را در شهر بست تدارک دید و کتاب‌های خود را وقف آن کرد. برای کسانی که از نقاط دور، برای استماع حدیث یا تحصیل فقه در این خانه اقامت داشتند، اماکن مسکونی بنا نهاد و مستمری‌هایی برای این محل در نظر گرفت تا به مصرف طلاب برسد. (حموی، ۲۰۱۰: ۴۱۸/۱) علاوه بر این، سده‌ها مدرسی در شهرهای دیگر ایران، از جمله: بخارا، بلخ، مرو، آمل، ری، اصفهان، شیراز و همدان دایر بوده که مسلماً کتابخانه‌هایی نیز داشته‌اند.

کارکردهای آموزشی کتابخانه‌ها

بین کتاب، کتابخانه و آموزش، ارتباط مستقیمی وجود دارد و هرکدام در حیات دیگری تأثیرگذارند. کتاب و کتابخانه، به عنوان منبع اصلی دانش و کسب اطلاعات نقش تسهیل‌کننده فرایندهای آموزشی را بر عهده داشته است. اگرچه کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، همانند مدارس و مؤسسات آموزشی، نهادی کاملاً آموزشی نبودند، برنامه‌ها و فعالیت‌هایی در آن کتابخانه‌ها اجرا می‌شد که برنامه‌هایی آموزشی تلقی می‌شد. برنامه‌های آموزشی کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، به حدی بالا بود که بعضی محققان، کتابخانه‌ها را در کنار مدارس، مساجد، بیمارستان‌ها و رصدخانه‌ها، مراکزی برای تعلیم و تعلم یاد کرده‌اند. (مکی سباعی، الف ۱۳۷۳: ۱۷؛ یادگاری، ۱۳۸۸: ۴۵۳)

یکی از کارکردهای آموزشی کتابخانه‌ها این بود که در بعضی از آنها، به‌خصوص کتابخانه‌های دانشمندان، حلقه‌های درس رایج بود. در این کتابخانه‌ها، محلی برای تشکیل حلقه‌های درس و سمینار اختصاص داشت و در این حلقه‌های علمی، علمای هم‌تراز به منظور مباحثه و جویندگان دانش به منظور کسب علم، حضور می‌یافتند. آنان در زمان مباحثه، از کتاب‌های موجود در کتابخانه استفاده می‌کردند. (یادگاری، ۱۳۸۸: ۴۶۸) مقدسی در توصیف کتابخانه ابن‌سوار کاتب در رامهرمز، یادآور شده است که رامهرمز، مانند بصره و ری، کتابخانه با موقوفات دارد و در آنجا همیشه یک استاد علم کلام به روش معتزلی درس می‌گوید و مواجب مرتب دارد. (مقدسی، ۱۹۸۷: ۳۱۶) از روایت مقدسی چنین برداشت می‌شود که علاوه بر رامهرمز، در کتابخانه‌های بصره، ری و احتمالاً دیگر شهرها نیز امر تدریس رایج بوده است.

دومین خصوصیت آموزشی کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، این بود که برخی از آنها دارای سالن‌هایی برای ارائه سخنرانی و بحث و مناظرات علمی بودند. به روایت ابن‌ندیم، کتابخانه فتح‌بن‌خاقان مرکز فصیحی عرب و علمای کوفه و بصره بود. (ابن‌ندیم، ۱۳۴۳: ۱۹۲) کتابخانه‌هایی که دارای سالن‌های سخنرانی و ارائه مباحث علمی و ادبی بودند، زمینه را برای شکل‌گیری دارالعلم‌ها فراهم آوردند. (غنیمه، ۱۳۶۳: ۹۰) از این لحاظ، دارالعلم‌ها، کتابخانه‌هایی بودند که جلسات درس، بحث و سخنرانی در آنها برگزار می‌شد. (العش، ۱۳۷۲: ۱۳۷) برخی کتابخانه‌ها، از جمله کتابخانه علی‌بن‌یحیی، شاپوربن‌اردشیر، ابن‌حمدان موصلی و ابن‌حبان بستی (وفات ۳۵۴ق)، امکانات آسایشی و رفاهی نیز در این تالارها فراهم آورده بودند و حتی کاغذ، قلم و دوات نیز به طور رایگان در اختیار دانشمندان قرار می‌دادند. (مکی سباعی، ب ۱۳۷۳: ۱۴۷؛ حموی، ۱۳۹۱: ۳۵۵/۱؛ حموی، ۲۰۱۰: ۴۱۸/۱)

از دیگر کارکردهای آموزشی کتابخانه‌ها، این بود که فضایی مناسب برای مطالعه و خود-آموزی داشتند. کتابخانه با فراهم آوردن امکان مطالعه مستقل و خودآموزی، در خدمت فرایند آموختن قرار می‌گرفت؛ زیرا مطالعه در کتابخانه، به توانایی‌ها و مهارت‌های شناختی منجر می‌شد. حتی مزیت آن نسبت به کلاس درس، این بود که فارغ از محدودیت زمانی و نگرش خاصی بود که توسط استاد به شاگرد منتقل می‌شد. نمونه‌های فراوانی از چنین شخصیت‌هایی در سده‌های نخست ایران اسلامی وجود دارد که با استفاده از مطالعه در کتابخانه‌ها، به غنای علمی خویش افزودند؛ به عنوان مثال، می‌توان به: ابومعشر منجم، ابن‌سینا، ابن‌ندیم، مسکویه رازی و ده‌ها نفر اشاره نمود. در شرح حال ابومعشر منجم (وفات ۲۷۲ق) آمده است که وی به قصد سفر حج،

وقتی به بغداد رسید و وارد کتابخانه علی بن یحیی منجم شد، چنان غرق در مطالعه کتب آن کتابخانه شد که از ادامه سفر حج دست کشید. به روایت یاقوت حموی ابومعشر، تا آن روزها هنوز در نجوم به درجاتی عالی نرسیده بود. (حموی، ۱۳۹۱، ۲/۸۸۶) ابومعشر پس از بهره‌گیری از این کتابخانه، آثار بزرگی در نجوم از خود برجای گذاشت. وی قریب به چهل کتاب در نجوم تألیف کرد. (خیری، ۱۳۳۷: ۸۶)

ابن سینا نیز بخشی از علوم فلسفی و به‌خصوص پزشکی خویش را از طریق مطالعه در کتابها و استفاده از خدمات آموزشی کتابخانه‌های آن دوره کسب نموده است. در این ارتباط، همو یادآور شده که پس از رغبت به علم طب، آنچه را پزشکان قدیم نوشته بودند، همه را به دقت خواندم و چنان در پزشکی مهارت پیدا کردم که پزشکان سرآمد آن عصر برای بهره‌گیری از دانش پزشکی، به من مراجعه می‌کردند. (نفیسی، ۱۳۳۳: ۶۴) همچنین، در شرح حال ابوعلی سینا آمده است که پس از معالجه نوح بن منصور سامانی و اجازه ورود به کتابخانه سامانیان، از آن کتابها بهره‌ها برده است. مطالعات ابن سینا در کتابخانه درباری سامانیان، از اهمیت بسزایی برخوردار بود؛ زیرا خودش اذعان داشته در فهرست مجلدات آن کتابخانه، کتاب‌هایی را مشاهده کرد که تا آن زمان ندیده بود و بعدها هم ندید. ابن سینا یادآوری می‌کند این کتابها را خوانده و از آنها سود برده است. (ابن ابی‌اصیبه، ۱۹۶۵: ۴۳۹) بنابراین، مطالعه آن کتابها با توجه به این بخش از کارکرد آموزشی آن کتابخانه، یکی از عوامل پیشرفت‌های علمی ابن سینا در شاخه پزشکی به حساب می‌آید.

علاوه بر این، بخش عمده‌ای از آموخته‌های فلسفی و علم منطقی ابن سینا نیز از طریق مطالعه کتابها به صورت خودآموزی صورت گرفته است. خودش در این باره نقل کرده است: «ظواهر منطق را نزد ابوعبداله ناتلی خواندم؛ اما از دقایق چیزی نمی‌دانست. پس، خواندن کتابهای منطق را پیش خود آغاز کردم و شروح آنها را مطالعه کردم تا اینکه بر علم منطق استوار شدم. زمانی که ناتلی از من جدا شد و آهنگ گرانج کرد، من به فراگرفتن کتابها از متن‌ها و شرح‌ها از طبیعی و الهی پرداختم و درهای دانش بر من گشوده شد. پس، در دانش آموختن و کتاب خواندن، یک‌سال و نیم دیگر کوشیدم و خواندن منطق و همه اجزای فلسفه را از سر گرفتم. کتاب مابعدالطبیعه ارسطو را بارها خواندم؛ به حدی که در یادماند؛ اما آن را نمی‌فهمیدم تا اینکه در بازار کتاب‌فروشان، دلالی مجلدی داشت و آن را به قیمت ناچیزی به من فروخت. آن کتاب، اغراض مابعدالطبیعه از ابونصر فارابی (وفات ۳۳۹ق) بود که با خواندن آن،

مابعدالطبیعه ارسطو را کاملاً درک نمودم.» (نفیسی، ۱۳۳۳: ۶۵-۶۴)

با دقت در مباحث مطرح‌شده، کاملاً آشکار است که این‌سینا با استفاده از کتاب‌ها و کتابخانه‌های بخارا در آن روزگار، بدان پایه علمی و فلسفی رسید که به قول جورج سارتون، فکرش مظهر اوج فلسفه قرون وسطی بود. (سارتون، ۱۳۵۳: ۸۱۶/۱)

کارکرد آموزشی دیگر کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی، این بود که بسیاری از مؤسسان و کتابداران کتابخانه‌ها، از زمره دانشمندان و علما بودند و در فرصت مناسب، مطالب علمی را به افرادی که به کتابخانه مراجعه می‌کردند، تعلیم می‌دادند. ابن‌حمدان موصلی که خودش واقف یا مؤسس کتابخانه‌اش بود، هنگامی که فرصت داشت، در کنار کتابخانه می‌نشست و مطالب علمی، فقهی، شعر و جز آن را برای مردم می‌خواند. (حموی، ۱۳۹۱: ۳۵۵/۱) در مورد ابن‌عباد آمده است که هرگاه کسی از راه‌های دور و شهرهای دیگر برای بهره‌گیری از کلام و نظم و نثر او نزدش می‌آمد، علاوه بر اینکه به کتابدارش دستور می‌داد تا کتاب‌ها را در اختیارش گذارد، به او اجازه می‌داد در مجالس علمی وی نیز بنشیند. (همان: ۲۹۹)

از دیگر خدمات آموزشی کتابخانه‌ها، داشتن دارالترجمه بود. ترجمه، امکان استفاده از دستاوردهای علمی دنیای آن روز را امکان‌پذیر می‌کرد. یکی از کتابخانه‌های آن روزگار که دارالترجمه بسیار مهم و بزرگی داشت، کتابخانه بیت‌الحکمه بغداد بود. این کتابخانه، از دو قسمت تشکیل شده بود؛ بخشی به نگهداری و حفاظت کتاب‌ها، و بخش دیگر آن به ترجمه کتاب‌های خارجی اختصاص داشت. در قسمت ترجمه، از هرگونه کتاب علمی و از هر دانشمندی به فراخور رشته تخصصی او استفاده می‌شد. در این بخش، معمولاً کتاب‌های: پهلوی، یونانی، هندی، سریانی و قبطی ترجمه می‌شد. تنها رقم پولی که در راه ترجمه کتاب‌های یونانی در آن زمان خرج شده بود، بالغ بر سیصد هزار دینار بود. (یادگاری، ۱۳۸۸: ۴۶۳) پس از نهضت ترجمه در نیمه دوم قرن دوم هجری، فراوانی کتاب‌ها موجهی از تحقیق، مطالعه و پژوهش را به دنبال داشت. حاصل آن ترجمه‌ها و فراوانی کتاب‌ها، خلق آثار علمی در رشته‌های مختلف بود.

امانت دادن کتاب‌ها توسط کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، عاملی دیگر بود که خدمات آموزشی را آسان‌تر می‌کرد. با آنکه بعضی واقفان و مؤسسان کتابخانه‌ها، مقرراتی برای امانت دادن کتاب‌ها تعیین کرده بودند (مرعشی نجفی، ۱۳۹۱: ۵۵)، به روایت حموی، امانت گرفتن از کتابخانه‌های مرو بسیار آسان و بدون تشریفات بود و کتاب‌های آن پیوسته در دسترس عموم قرار می‌گرفت. در این کتابخانه‌ها، حتی بدون سپردن ضمانت یا در گرو گذاشتن چیزی،

کتاب‌ها را به دانشمندان امانت می‌دادند. (حموی، ۲۰۱۰: ۱۱۴/۵)

در بعضی کتابخانه‌های بزرگ، شعبه‌ای برای کتاب‌های نجوم و رصدخانه اختصاص داده بودند که در آن، کارگاه‌های آموزشی دایر بود. در این زمینه، می‌توان به کتابخانه بیت‌الحکمه و کتابخانه علی‌بن‌یحیی منجم اشاره کرد. (مکی سباعی، ب ۱۳۷۳: ۱۳۷) نقش آموزشی چنین کارگاه‌هایی در این کتابخانه‌ها، کاملاً آشکار است. کارکردهای آموزشی بیت‌الحکمه نقش بسیاری داشت تا اینکه محمدبن موسی خوارزمی (وفات ۲۳۲ق)، علم جبر و مقابله را تکمیل نمود و فرزندان ابن‌شاکر، محیط زمین را با مقایسه نصف‌النهارات به‌دست آوردند. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۵۶: ۱۴۰. دو تن از بنوموسی، یعنی محمد و حسن، مخصوصاً به هندسه توجه خاصی داشتند. سومی، یعنی احمد، درباره مکانیک تحقیق می‌کرد. کتاب‌هایی در اندازه‌گیری کُره، تثلیث زاویه و تعیین دو واسطه هندسی میان دو مقدار معلوم، بدیشان منسوب است. آنان روش‌های سینماتیکی تثلیث زاویه و ترسیم مستطیل را نیز کشف کردند. (سارتون، ۱۳۵۳: ۶۳۱/۱)

یکی دیگر از کارکردهای آموزشی کتابخانه‌ها، فرصت‌های شغلی بود که در پی ایجاد کتابخانه‌ها به‌وجود آمد. بسیاری از کتابداران، خازنان و کارکنان کتابخانه‌ها که در آن زمان جزو دانشمندان بودند، از فرصت شغلی‌شان استفاده کرده، به مطالعه می‌پرداختند و آثار علمی بزرگی خلق نمودند. یکی از این گونه افراد، مسکویه رازی (وفات ۴۲۱ق)، خازن کتابخانه ابن‌عمید بود که اثر بزرگ تجارب‌الأمم را از خود برجای گذاشت. (راوندی، ۱۳۶۹: ۲۵) وی تجارب‌الأمم را متفاوت با سایر تاریخ‌نویسان آن دوره و به شیوه تقریباً علمی نگاشت. مسکویه تا آن زمان، تنها کسی بود که در باب تاریخ استدلال حکیمانه و فلسفی کرده و با دید اخلاقی و پراگماتیک به موارد تجربه و فواید عملی اشاره نموده است. (مسکویه، ۱۳۶۹: ۳۶)

کارکردهای آموزشی کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، بیانگر آن است که از طرفی کتابخانه‌ها به طور مستقیم در مسئله آموزش علوم، دانش‌ها و فنون نقش‌آفرین بودند و از طرفی دیگر، شرایط آموزشی بهتر را برای سایر نهادهای آموزشی فراهم می‌کردند. نقش آموزشی کتابخانه‌های آن دوره، به حدی بود که می‌توان از کتابخانه‌ها در کنار مساجد، مکاتب، مدارس، بیمارسان و غیره به عنوان مرکز و مؤسسه آموزشی در آن زمان یاد کرد. خدمات و کارکردهای آموزشی کتابخانه‌ها، موجب تقویت مطالعات بسیاری از دانشمندان گردید و مطالعات و آموزش‌های دانشمندان آن دوره، در رشد و توسعه علوم و دانش‌های مختلف در ایران نقش‌آفرین بودند.

تأثیر کارکرد آموزشی کتابخانه‌ها در پیشرفت علوم

خدمات و کارکردهای آموزشی سده‌های نخست اسلامی در ایران، در کنار سایر عوامل دیگر، موجب پیشرفت‌های علمی ایرانیان گردید؛ به گونه‌ای که دانشمندان ایرانی در آن دوره، آوازه‌ای جهانی یافتند و آثارشان در تاریخ علم ماندگار شد. در این بخش، اشاره‌ای مختصر به بخشی از دستاوردهای علمی آن دسته از دانشمندان ایرانی در آن دوره شده که بخشی از موفقیت‌های آنان، ناشی از خدمات و کارکردهای آموزشی کتابخانه‌ها بوده است.

به این سینه حدود ۴۵۰ اثر نسبت داده‌اند که شمار بسیاری از آنها در مورد پزشکی و فلسفه است. (نفیسی، ۱۳۳۳: ۲۷) وی جامع علوم، فیلسوف، طبیب، ریاضی‌دان، منجم و یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان ایرانی در جهان اسلام بوده که فکرش مظهر اوج فلسفه قرون وسطی بود. کتاب قانون ابن‌سینا، به جهت کمال صوری و ارزش ذاتی‌اش، کتاب‌های: حاوی رازی، ملکی علی‌بن‌عباس و حتی آثار جالینوس را تحت‌الشعاع قرار داد و تا شش قرن در رأس قرار گرفت. وی با دقت بسیار زیاد، مسائلی مانند: تمیز ذات‌الجنب، التهاب میان سینه، خاصیت سرایت‌پذیری سل، انتشار بیماری‌ها به وسیله آب و خاک، توصیف دقیق عوارض پوستی، بیماری‌ها و انحرافات جنسی، بیماری‌های عصبی و بسیاری از موضوعات روانی و آسیب‌شناسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. وی در «ادویة مفردة» قریب ۷۶۰ دارو را مورد توجه قرار داده و روش‌های داروشناسی را به‌اختصار بیان کرده است. (سارتون: ۸۱۷/۱ - ۸۶۷)

پیشرفت‌های ابومعشر در علم نجوم، به حدی بود که در آثار غربی، بیش از هر ستاره‌شناس دیگری، از او نام برده شده است. آثار فراوانی در احکام نجوم، به او منسوب است که به لاتینی ترجمه شده است. مهم‌ترین این آثار، کتاب *المدخل الی علم احکام نجوم* نام دارد که حاوی نظریه‌ای در باب تأثیر ستارگان در جزر و مد است. فرضیه نجومی وی درباره جزر و مد، در سده‌های میانه اروپایی بسیار مورد توجه بوده است. (فرشاد، ۱۳۶۵: ۱۷۸/۱)

محمدبن موسی خوارزمی که در زمان مأمون در کتابخانه بیت‌الحکمه فعالیت می‌کرد و در برهه‌ای سرپرستی آن را بر عهده داشت، در نتیجه مطالعه کتاب‌های آن کتابخانه بود که علم و دانش قابل ملاحظه‌ای کسب نمود. (فرشاد، ۱۳۶۶: ۸۲۸/۲) جرج سارتون در مقدمه تاریخ علم، نیمه اول سده نهم میلادی را عصر خوارزمی نامیده است. امروزه از وی به عنوان ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، فیلسوف، جغرافی‌دان، مورخ و از همه مهم‌تر، پدر علم جبر یاد می‌شود.

خوارزمی در کتاب *الحساب* که متن عربی آن گم شده و ترجمه لاتینی از سده دوازدهم در

دست است، دستگاه عددنویسی هندی را به اعراب و اروپاییان شناساند. وی یکی از بنیان‌گذاران آنالیز یا جبر به صورتی جدا از هندسه به حساب می‌آید. (سارتون، ۱: ۶۵۴/۱۳۵ – ۶۵۵) خوارزمی در اثر معروفش با عنوان *الجبر والمقابلته* سنت‌های ایرانی، هندی و یونانی را درهم آمیخت و از آن میان، مکتبی را بنیان نهاد که ثمره اصلی‌اش علم جبر بود. کتاب *الجبر و المقابله* خوارزمی چندین بار به نام *لیبر الگوریسمی* (liber Algorismi) یعنی کتاب خوارزمی به لاتینی ترجمه شده است. (نصر، ۱۳۸۴: ۱۴۷) این اثر، هم ریاضیات محض و هم ریاضیات کاربردی را شامل می‌شد. خوارزمی در این اثر، معادلات را بر شش نوع تقسیم کرده و به کمک جبر و هندسه، با استدلال منطقی به حل آنها پرداخته است. در نیمه دوم کتاب، عنوان کرده: تقسیم اریثه‌ها در بسیاری از وصیت‌نامه‌ها، با استفاده از این معادلات ششگانه قابل حل است. (شهریاری، ۱۳۷۸: ۹۶)

خوارزمی در علم نجوم نیز آگاهی داشت و خدماتی در این باره ارائه نمود. وی، از نخستین کسانی بود که جدول‌های نجومی و مثلثاتی را محاسبه کرد. (سارتون، ۱۳۵۳: ۱/۶۳۲) بدون شک، کشفیات علمی خوارزمی بر اثر استفاده‌های شایان وی از خدمات آموزشی و پژوهشی کتابخانه بیت‌الحکمه ایجاد شده بود.

نتیجه

در طی سده‌های نخست اسلامی در ایران، کتابخانه‌های متعددی، همچون: کتابخانه‌های دولتی، کتابخانه‌های درباری، کتابخانه‌های وزراء، کتابخانه‌های دانشمندان، کتابخانه‌های مساجد و کتابخانه‌های مدارس تأسیس شد. کتابخانه‌های سده‌های نخست اسلامی در ایران، در کنار مراکز و مؤسسات آموزشی آن دوره، از قبیل مدارس و مساجد، نقشی چشمگیر در ترویج آموزش علوم و دانش‌ها در آن زمان داشتند. ویژگی‌ها و خصوصیات کتابخانه‌های مذکور به نوعی بود که کارکردهای آموزشی گوناگونی داشتند. تشکیل حلقه‌های درس، تخصیص فضایی برای مطالعه، داشتن مکانی برای ارائه مناظرات و مباحثات علمی، و همچنین، تجمع دانشمندان و عالمان که جوابگوی سؤالات علمی دانش‌آموزان و جویندگان دانش‌های مختلف بودند، از مهم‌ترین کارکردهای آموزشی کتابخانه‌های آن دوره محسوب می‌شد.

داشتن تالارهای مطالعه، دارا بودن کارگاه‌های آموزشی، دایر کردن بخش دارالترجمه و امانت دادن کتاب‌ها نیز خدمات آموزشی کتابخانه‌ها را آسان‌تر می‌کرد. کتابخانه‌های سده‌های نخست

اسلامی، با داشتن چنین کارکردها و خدمات آموزشی قابل توجه، خدمتی بزرگ به پیشرفت‌های علمی آن زمان نمودند. بخشی از موفقیت‌های علمی بسیاری از دانشمندان آن دوره، از قبیل: ابن سینا، خوارزمی، ابومعشر منجم، جاحظ، ابن ندیم، مسکویه رازی، فرزندان بنی‌شاکر و صدها دانشمند دیگر، با استفاده از خدمات آموزشی کتابخانه‌ها صورت گرفته بود. در نتیجه، موفقیت‌های چنین دانشمندانی بود که آثار علمی بزرگی در زمینه: فلسفه، پزشکی، ریاضیات، نجوم، اخلاقیات و علوم دیگر نگاشته شد و نه تنها در ایران و اسلام، بلکه تا سده‌ها در اروپا نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

منابع

الف. فارسی و عربی:

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، شرح و تحقیق رضا نزار، بیروت: منشورات دار مکتبة الحیاة، ۱۹۶۵م.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل فی التاریخ، المجلد التاسع، بیروت: دار صادر للطباعة والنشر، ۱۹۶۶م.
- ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت: دار الصادر للطباعة والنشر، ۱۹۶۵م.
- ابن طیفور، احمد بن طاهر، تاریخ بغداد، عنی بنشره واجع اصله و وقف علی طبعه السيد العطار الحسينی، بی جا: مکتب النشر الثقافة الاسلامیة، ۱۹۴۹م.
- ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، الجزء الثاني والعشر، بیروت: مکتبة المعارف، الطبعة الثانية، ۱۹۷۷م.
- ابن ندیم، محمد بن اسحق، الفهرست، ترجمه و تحشیه محمدرضا تجدد، تهران: انتشارات کتابخانه سینا، ۱۳۴۳.
- اصفهانى، حمزة بن الحسن، تاریخ سنی ملوک الأرض والأنبیاء، بیروت: منشورات دارالمکتبة الحیاة، بی تا.
- انصارى قمی، مهدی، پیدایی کتاب، مجموعه مقالات کنگره بین المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، دفتر نخست کتاب و کتابخانه، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۵ - ۳۹۴.
- ثعالبی نیشابوری، محمد بن اسماعیل، یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، الجز الثالث، حقیقه و فصله و ضبطه و شرحه محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره: مطبعة السعادة، الطبعة الثانية، ۱۹۵۶م.
- جبری انصارى، محمد حسن، تاریخ اصفهان، ترتیب تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل، ۱۳۶۸.
- حکمت، علیرضا، آموزش و پرورش در ایران باستان، تهران: چاپخانه کیهان، ۱۳۵۰.
- حموی یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، ترجمه و پیرایش عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش، ۱۳۹۱.
- ، معجم البلدان، الجلد الخامس، بیروت: دار صادر، الطبعة الثامنة، ۲۰۱۰م.
- خیری، محمود، دانشمندان نامی اسلام، تهران: بنگاه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۳۷.
- دال، سوند، تاریخ کتاب از کهن ترین دوران تا عصر حاضر، ترجمه محمدعلی خاکساری،

- مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- راوندی، مرتضی، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، رشت: انتشارات هدایت، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
- سارتون، جورج، مقدمه بر تاریخ علم، جلد ۱، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: دفتر ترویج علوم وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۳.
- شهریاری، پرویز، سهم ریاضیات ایرانی در تاریخ ادوار جهانی ریاضیات، مجموعه مقالات سمینار تاریخ علم در اسلام و نقش دانشمندان ایرانی، به کوشش محمدعلی شعاعی و محسن حیدرینیا، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸، ص ۵۳ - ۶۸.
- صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ضمیری، محمدعلی، تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز: انتشارات راهگشا، چاپ ششم، ۱۳۷۵.
- عتبی، محمدبن عبدالجبار، ترجمه تاریخ یمینی، ترجمه ابوالشرف ناصح‌بن ظفر جرفادقانی، تصحیح جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
- العش، یوسف، کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی عربی در قرون وسطی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، کتاب و کتابخانه زیربنای تمدن و علوم اسلامی، قم: چاپخانه مهر استوار، چاپ سوم، ۱۳۵۶.
- قلقشندی، احمدبن علی، صبح الاعشا فی صناعة الانشاء، جلد ۲، مصر: دار الکتب، ۱۳۲۲ق.
- غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نوراله کسای، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳.
- فرشاد، مهدی، تاریخ علم در ایران، جلد ۱، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۵.
- _____، تاریخ علم در ایران، جلد ۲، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۶.
- مرعشی نجفی، محمود، نظام کتابداری اسلامی در سده‌های سوم تا هشتم هجری، مجموعه جهان کتابخانه‌ها، جلد ۱، به کوشش محمود مرعشی نجفی، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۱.
- مسکویه رازی، ابوعلی، تجارب الأمم، جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
- _____، تجارب الأمم، الجزء السادس، حقه و قدم له ابوالقاسم امامی، طهران: دار سروش، ۲۰۰۰م.
- مقدسی، محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، وضع مقدمته وهوامشه وفهارسه

محمد مخزوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۷ م.
مکی سباعی، محمد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، الف ۱۳۷۳.
—، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه علی شکوئی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ب ۱۳۷۳.
نصر، سید حسن، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
نفیسی، سعید، زندگی و کار و اندیشه و روزگار پور سینا، تهران: کتابخانه دانش، ۱۳۳۳.
یادگاری، عبدالمهدی، نیشابور طاهری مرکز نقل خراسان، تهران: انتشارات ژرف، ۱۳۸۸.
یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، البلدان، النجف الأشرف: المكتبة المرتضی و مطبعة الحیدریة، ۱۹۱۸ م.

ب. انگلیسی:

1. Galli, Christof. (2001), "Middle Eastern Libraries". International dictionary of library Histories, Volume I, Editor David h. stam, Chicago: Fitzroy Dearborn publisher, pp 111 – 115.
2. Inayatullah, sh. (1938), "Bibliophilism in Mediaeval Islam". Islamic Culture, Vol XII, April 1938, pp 154 – 169.
3. Mackensen, Ruth Stelhorn (1935 A) "Moslem libraries and Sectarian Propaganda". The American journal of Semitic languages and literatures, Vol 51, January 1935, pp 83 – 113.
4. Mackensen, Ruth Stelhorn (1935B) "Moslem libraries and Sectarian Propaganda". The American journal of Semitic languages and literatures, Vol. 51, January 1935, pp. 83 – 113.
5. Pedersen, Johs. (1929), "Some Aspects of the History of Madrasa". Islamic Culture, Vol III, October 1929, Number 4, pp 525 – 537.
6. Tibawi A.L. (1972), Islamic Education: Its Traditions and Modernization in to the Arab National system. London: Luzac.